

جانانان کوک:

استارمر به نسل‌کشی اسرائیل با دادن حق وتو به آن در برابر تشکیل کشور فلسطین پاداش می‌دهد

چرخش رهبر حزب کارگرانگلستان، سیاست بریتانیا را به عصر صلح‌سازی ساختگی برمی‌گرداند - تاکتیکی متوقف‌کننده در حالی که فلسطینی‌ها گرسنگی می‌کشند و سلاخی می‌شوند.

۲۵ ژانویه ۲۰۲۴ برابر با ۵ بهمن‌ماه ۱۴۰۲

<https://www.middleeasteye.net/opinion/war-gaza-starmer-israel-genocide-veto-palestinian-statehood>

دولت کنونی اسرائیل افراطی‌ترین دولت در تاریخ این کشور است، دولتی که مملو از متعصبان مذهبی و فاشیست‌های خودخوانده است و در حال حاضر در حال اجرای یک سیاست نسل‌کشی و زمین سوخته علیه دو میلیون و سیصد هزار فلسطینی غزه است.

بنیامین نتانیا هو، نخست‌وزیر اسرائیل، که قتل‌عام فلسطینی‌ها نیاز سیاسی اش می‌باشد، تا خود را از زندان دور نگه دارد، به خود می‌بالد که مصمم‌تر از هر زمان دیگری برای جلوگیری از ظهور یک کشور فلسطینی می‌باشد.

ویرانی غزه - که در آن بیش از صد هزار فلسطینی تاکنون کشته یا به شدت زخمی شده‌اند و دو سوم خانه‌های غزه به ویرانه تبدیل شده‌اند - به نظر می‌رسد جزئی از این استراتژی باشد.

و با این حال، به طور خارق‌العاده‌ای، "کیر استارمر (Keir Starmer)"، رهبر مخالفان دولت بریتانیا، این لحظه را انتخاب کرده است تا اعلام کند که از این پس، سیاست حزب کارگر در مورد تشکیل دولت فلسطین توسط دولت منحوس اسرائیل به آن دیکته خواهد شد.

استارمر با معکوس کردن مواضع حزب کارگر در زمان دو سلف خود، "اد میلیبند (Ed Miliband)" و "جرمی کوربین (Jeremy Corbyn)"، که وعده داده بودند در زمان پیروزی و کسب قدرت فوراً کشور فلسطین را به رسمیت بشناسند، در جلسه هفته گذشته گفت که چنین به رسمیت شناختی تنها به عنوان "بخشی از روند" مذاکرات صلح شامل اسرائیل رخ خواهد داد. تا به امروز ۱۳۹ کشور فلسطین را به عنوان یک کشور در سازمان ملل به رسمیت شناخته‌اند، اما بریتانیا - و همچنین ایالات متحده - در میان این کشورها نمی‌باشند.

"دیوید وین (David Wayne)"، وزیر خاورمیانه در کابینه سایه‌ای حزب کارگر، در توضیح اظهارات استارمر گفت که "اسرائیل حق وتو خواهد داشت. راه حل دو کشوری تنها به شیوه‌ای به ثمر می‌رسد که برای دولت اسرائیل قابل قبول باشد. این راهی برای ایجاد صلح است".

حزب کارگر استارمر اصرار دارد که اسرائیل محکم روی صندلی رانندگی بماند، حتی در شرایطی که غزه غیرقابل سکونت شده است و جمعیت آن در معرض قحطی کاملاً دست‌ساز انسان قرار گرفته است - و زمانی که فلسطینی‌ها بیش از هر زمان دیگری به همبستگی بین‌المللی نیاز دارند، در حالی که اسرائیل برای پایان دادن به زیاده‌خواهی بی‌پایان رژیم این کشور و برای پایان دادن به نسل‌کشی آن نیاز به ضربه‌هایی سخت همانند تحریم‌ها دارد.

رفتار با دیگران همانند رفتار با احمق‌هاست

استارمر تنها از سیاست ده‌ساله حزب کارگر رو برنگردانده است. او حمایت اعلام‌شده خود از کشور فلسطین را کنار گذاشته است.

استارمر در تابستان ۲۰۲۱، زمانی که اسرائیل درگیر یکی از حملات خشونت‌آمیز منظم خود علیه غزه بود، نخست‌وزیر وقت، "بوریس جانسون" (Boris Johnson)، را تحت فشار قرار داد تا برای به رسمیت شناختن یک کشور فلسطینی در نشست G7 آن سال در ایالت "کورنوال" (Cornwall)، تلاش کند.

استارمر در آنزمان خاطرنشان کرد که تشکیل کشور فلسطین تنها راه "برای جلوگیری از گسترش شهرک‌های غیرقانونی" است که برای از بین بردن پیشگیرانه سرزمین مورد نیاز برای چنین دولتی طراحی شده است. رهبر حزب کارگر افزوده بود، این همچنین راهی برای "بازگرداندن و اجرای یک روند صلح معنادار" می‌باشد.

چرا فلسطینی‌ها اکنون که اسرائیل در حال نسل‌کشی در بخشی از خاک آنها است، کمتر حق دارند که دارای کشور باشند؟ شهرک‌نشینان یهودی اسرائیل که از ویرانی غزه خوشحال شده‌اند، حتی تهاجمی‌تر از سال ۲۰۲۱ در سرزمین‌های فلسطینی در کرانه باختری به تهاجم علیه فلسطینی‌ها مشغول هستند.

به گفته استارمر، در سه سال پیش، به رسمیت شناختن بین‌المللی کشور فلسطین، ابزار مورد نیاز برای صحبت کردن با اسرائیل ناسازگار بود. اکنون رهبر حزب کارگر با ضرورت وجود یک کشور فلسطینی کاملاً متفاوت رفتار می‌کند و آنرا مانعی برای مذاکرات قلمداد می‌نماید.

اما نسخه صادره در حال تغییر است: بر اساس موضع جدید استارمر، دولت فلسطین تنها از طریق گفتگوهای صلح به دست می‌آید، حتی اگر اسرائیل به طور کامل هرگونه مذاکره با فلسطینی‌ها را رد کند. استارمر با حزب کارگر و با آنان که به این حزب رای داده‌اند آنگونه رفتار می‌کند که گویی احمقی بیش نیستند.

در پایان هفته گذشته، استارمر در تلاشی آشکار برای آرام کردن نارضایتی فزاینده، نتانیاهو را به دلیل رد کردن دولت فلسطین مرتکب «اشتباه» خواند. اما این تنها نشان دادن انحطاط کامل سیاست جدید او بود.

دیوید هفته گذشته با اشاره به همین نکته به روزنامه انگلیسی "کرونیکل یهودی (The Jewish Chronicle)"، اذعان کرد که دولت اسرائیل قاطعانه با پایان دادن به اشغال نظامی چندین دهه خود در سرزمین‌های فلسطینی غزه، کرانه باختری و اورشلیم شرقی مخالف است.

بنابراین، تشکیل کشور فلسطین "نیازمند ذهنیت متفاوتی از سیاستمداران برجسته در اسرائیل است". دیوید گفت که این اتفاق "در یک دوره زمانی طولانی" اتفاق خواهد افتاد و "بسیاری از مسائل پیچیده باید حل شوند."

به نظر می‌رسد استارمر و وزرای او توجه نکرده‌اند که به‌طور میانگین روزانه ۲۵۰ فلسطینی توسط اسرائیل در غزه کشته می‌شوند و بسیاری از فلسطینی‌ها از گرسنگی می‌میرند. آنها ممکن است امکان تحمل تجملی چون انتظار "طولانی‌مدت" را نداشته باشند.

اما مقامات اسرائیلی از حق وتوی خود خوشحال خواهند شد. اگر نسل‌کشی آنها نشانه‌ای از خواسته آنها باشد، معتقد هستند که زمانی که حدود دو میلیون فلسطینی کشته یا پاکسازی نژادی شده و یا در گوشه و کنار جهان پراکنده شده باشند، همه‌چیز بسیار ساده‌تر خواهد شد.

اشتهای نسل‌کشی

حزب کارگر استارمر به میدان آمده تا به محافظه‌کاران حاکم - و همچنین واشنگتن - بپیوندد تا سیاست ساختگی "فرایند صلح" سه دهه پیش را احیا کند، گویی که در خلال ۳۰ سال گذشته هرگز اتفاق نیفتاده است.

به سادگی تمام باید گفت که سیاستمداران "میان‌رو" اسرائیلی که گویی حزب کارگر می‌خواهد آنها را پرورش دهد، وجود خارجی ندارند. نتانیاهو فردی در تاریخ اسرائیل است که بیش از تمامی دیگر نخست‌وزیران این کشور این مقام را بر

عهده داشته است. او ریاست بسیاری از دولت‌های ائتلافی راست‌گرا را بر عهده داشته است - دولت‌هایی که هر کدام از دولت‌های گذشته افراطی‌تر بوده‌اند. این امر دقیقاً به این دلیل است که جناح راست افراطی ناسیونالیست محبوبیت زیادی در میان رای‌دهندگان اسرائیلی دارد.

اگرچه نتانیا‌هو ممکن است درگیر مشکلات سیاسی شخصی - به ویژه به دلیل شکست در جلوگیری از خروج حماس از زندان غزه در روز ۷ اکتبر - باشد، در مخالفت شدید خود با تشکیل کشور فلسطین یک فرد خارج از خط مسلط بر راست اسرائیل نیست. او کاملاً در جریان اصلی قرار دارد.

آنچه در سه ماه گذشته به طور قاطع ثابت شده این است که اشتباه اسرائیل برای هرگونه توافق با فلسطینی‌ها، حتی با تشکیلات خودگردان فلسطینی به رهبری محمود عباس، برابر با صفر است. و بیش از این و کاملاً برعکس: در سراسر طیف سیاسی اسرائیل برای نابودی فلسطینیان حمایت شدیدی وجود دارد.

بنی گانتز (Benny Gantz)، ژنرال و رهبر مخالفان نتانیا‌هو، که اکنون در شورای جنگ او خدمت می‌کند، به نظارت بر بمباران و محاصره نظامی که فلسطینیان را در غزه گرسنگی می‌کشد، کمک می‌کند.

"اسحاق هرتزوغ (Isaac Herzog) رئیس جمهور اسرائیل و رهبر سابق حزب کارگر به ظاهر چپ اسرائیل، اعلام کرده است که هیچ فلسطینی در غزه بیگناه نیست و چنین موضع‌گیری او را به رهبر اصلی نسل‌کشی جاری تبدیل می‌کند.

زمانی که حتی سیاستمداران "میان‌رو" اسرائیلی از نسل‌کشی حمایت می‌کنند، استارمر تصور می‌کند که قرار است با چه کسی در اسرائیل برای گفتگوهای صلح تماس برقرار کند؟ یا اینکه هدف واقعی او این است که اجازه دهد اسرائیل به طور نامحدود هر کاری را که می‌خواهد انجام دهد؟

تغییر بدبینانه

واقعیت این است که استارمر به سادگی تغییری بدبینانه به موضعی داده است که بلافاصله پس از حمله ۷ اکتبر - زمانی که ماهیت نسل‌کشی اسرائیل شروع به شکل‌گیری کرد- اعلام کرد.

استارمر در آن‌زمان از "محاصره کامل" اعلام‌شده توسط "یوآو گالانت (Yoav Galant)، وزیر دفاع اسرائیل، که بیش از دو میلیون فلسطینی را از غذا، آب و برق محروم کرده است، حمایت کرد. اگرچه قحطی و بیماری‌های کشنده

نتیجه‌ای اجتناب‌ناپذیر از حمله همه‌جانبه اسرائیل بود، رهبر حزب کارگر این سیاست را به عنوان "حق اسرائیل برای دفاع از خود" توصیف کرد. و این امر با این وجود بود که مجازات دسته‌جمعی صراحتاً بر اساس قوانین بین‌المللی غیرقانونی است.

زمانی که از او پرسیده شد که آیا عمل اسرائیل را زمانی که این کشور ارتباطات مخابراتی به غزه را قطع کرده و در واقع با تشدید کشتار اسرائیل، منطقه محاصره را در تاریکی فرو می‌برد تایید می‌کند، گفت که احساس می‌کند نمی‌تواند "در مورد هر موضوعی قضاوت کند".

و با این حال، به‌ویژه، استارمر چندی پیش احساس می‌کرد که کاملاً می‌تواند درباره جنایات ارتش روسیه پس از حمله به اوکراین قضاوت کند - و نام آن حمله را جنایت بگذارد و از ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه بخواهد که برای حضور "در برابر عدالت" در دادگاه لاهه حاضر شود.

مشخص است که اسرائیل تاکنون حداقل ۲۵۰۰۰ فلسطینی را در غزه کشته است، افرادی که اکثر آنها زن و کودک هستند. می‌دانیم که هزاران فلسطینی دیگر زیر آوار هستند. اسرائیل تقریباً تمام زیرساخت‌های حیاتی از جمله بخش درمانی فلسطینی‌ها را نابود کرده است. با این حال، هیچ‌کس در رهبری حزب کارگر جرات نمی‌کند این اقدامات را به عنوان جنایات جنگی، چه رسد به نسل‌کشی، معرفی کند.

اوضاع همیشه اینگونه نبوده است. استارمر، در نقش قبلی خود به عنوان یک وکیل حقوق بشر، به خوبی درک می‌کرد که آنچه امروز اسرائیل انجام می‌دهد، به عنوان نسل‌کشی شناخته می‌شود.

در جلسه دادگاه دادگستری بین‌المللی (International Court of Justice) در شهر هآگ در سال ۲۰۱۴، استارمر ادعا کرد که نیروهای صرب در محاصره شهر ووکوار کرواسی به مدت سه ماه، نسل‌کشی انجام داده‌اند. او شهری را که به ویرانه تبدیل شده است، اینگونه توصیف کرد: "این شهری کمپینی مداوم از گلوله‌باران، اخراج سیستماتیک، محرومیت از غذا، آب، برق، بهداشت و درمان پزشکی را تحمل می‌کند".

این همان شرایطی است که بر غزه تحمیل شده است، اما این بار در مقیاسی بسیار بزرگتر.

چهار سال پیش استارمر همچنین در مورد کشتار ۸۰۰۰ مرد و پسر بوسنیایی در سربرنیتسا در سال ۱۹۹۵ صربستان تردیدی نداشت که آنرا "نسل‌کشی

غیرانسانی" توصیف کند. او در آن رابطه اظهار داشت: این جنایات باید "به ما کمک کنند تا شجاعت و اعتقاد پیدا کنیم تا بایستیم و بگوییم، دیگر هرگز".

چقدر سریع "اعتقاد و شجاعت" استارمر او را در غزه تنها و ناکام گذاشت.

یک چک سفید

اینها همه الگویی از استارمر و تیمش است. رهبر حزب کارگر انگلستان درخواست‌هایی برای اعلام آتش‌بس را در شرایطی که می‌توانست از تلفات ده‌ها هزار فلسطینی جلوگیری شود، رد کرد. حتی اکنون نیز او بر آتش‌بس "پایدار" اصرار می‌ورزد که در واشنگتن به رمزی تبدیل شده است که به اسرائیل اجازه می‌دهد کشتار را تا زمانی که می‌خواهد ادامه دهد.

او هفته گذشته پس از رویارویی نماینده چپ‌گرای حزب کارگر، "زارا سلطانا (Zarah Sultana)" با نخست‌وزیر بریتانیا "ریشی سوناک (Sunak Rishi)" در مجلس عوام، زارا را بدون کوچکترین دفاعی از این نماینده حزب خود تنها گذاشت.

زارا از سوناک خواسته بود تا به سخنان مقامات دولتی گوش دهد و در میان تنش‌های ماریچی در خاورمیانه که منجر به حمله بریتانیا و ایالات متحده آمریکا به یمن - به دلیل حملات حوثی‌ها به کشتی‌ها در دریای سرخ - شده است، "کاهش تنش" کند. وی در این سخنان خاطرنشان کرده بود که "کاهش تنش" تنها از طریق آتش‌بس فوری در غزه امکان‌پذیر است.

سوناک با اسلام‌هراسی عریانی به زارات پاسخ داده و به نماینده مسلمان مجلس بریتانیا گفت که باید "از حماس و حوثی‌ها بخواهد تا بحران جاری را کاهش دهند" و در نتیجه به این نکته اشاره کرد که او نماینده آنها در بریتانیا است. مشخص است که استارمر بیشتر از آنچه به داد غزه رسیده است به دفاع از سلطانه پرداخت.

به مقامات حزب کارگر هشدار داده شده که در راهپیمایی‌های همبستگی فلسطینی‌ها شرکت نکنند و گزارش شده است که شاخه‌های این حزب از بحث در مورد مسائل مربوط به اسرائیل یا فلسطین منع شده‌اند. ده‌ها تن از اعضای شورای کارگری به دلیل موضع استارمر در مورد غزه از عضویت در شوراهای خود استعفا داده‌اند.

در این هفته، طاهر علی (Taher Ali)، نماینده حزب کارگر، پس از توصیف دقیق سوناک به عنوان "خون در دستانش" به دلیل تایید فروش تسلیحات به اسرائیل - علیرغم دریافت توصیه‌های وزارت خارجه مبنی بر عدم فروش این اسلحه‌ها به

اسرائیل- به دلیل نقض قوانین بین‌المللی در حمله به غزه، تحت فشار شلاق‌های حزب مجبور به عذرخواهی شد. سخنگوی حزب کارگر در این رابطه گفته است که اظهارات علی "به وضوح نامناسب" است.

اکنون استارمر با تایید محاصره دولت اسرائیل، چک سفیدی به اسرائیل داده است تا فلسطینی‌ها را به طور نامحدود و بدون محافظت در برابر انگیزه‌های نسل‌کشی اسرائیل بدون تابعیت نگه دارد.

لیزا نندی (Lisa Nandy)، وزیر توسعه بین‌المللی کابینه استارمر در سایه او، در آخر هفته گذشته راهپیمایی علیه یهودستیزی را در منچستر رهبری کرد. پیام این اعتراض که به دشواری بسیار تلاش شده بود مشخص نباشد این بود که مخالفت با نسل‌کشی در غزه ناشی از نفرت از یهودیان است.

در کنار نندی، خاخام اعظم بریتانیا، افرایم میرویس (Ephraim Mirvis)، ایستاده بود که از ستونی در روزنامه "ساندی تلگراف" (Sunday Telegraph) برای بیان صریح این نکته استفاده نمود. تیترا این نوشته اینگونه بود: "متهم کردن اسرائیل به نسل‌کشی یک وارونگی اخلاقی انحرافی است".

این همان میرویس است که در اوایل این ماه از "سربازان قهرمان ما" - ظاهراً غافل از اینکه آنها سربازان اسرائیلی هستند، نه بریتانیایی - به دلیل انجام "بزرگترین کار ممکن" در تخریب غزه تمجید کرد.

همدستی در فروش اسلحه

به همین ترتیب، استارمر هیچ کاری برای پاسخگویی دولت بریتانیا به دلیل تداوم عرضه سلاح به اسرائیل - آنچه که باید هدف اصلی یک حزب مخالف باشد - انجام نداده است.

هفته گذشته، سایت اینترنتی "میدل ایست آی" (Middle East Eye) گزارش داد که "دیوید کامرون" (David Cameron)، وزیر خارجه بریتانیا، فروش تسلیحات به اسرائیل را تایید کرده است، این امر علیرغم اینکه مقامات وی به طور مکرر در ماه‌های نوامبر و دسامبر سال گذشته "نگرانی‌های جدی" خود مبنی بر نقض قوانین بین‌المللی توسط اسرائیل را مطرح کرده بودند.

این امر استارمر را به اندازه دولت بریتانیا در جنایات اسرائیل علیه بشریت در غزه - و همچنین در نسل‌کشی -، اگر دیوان بین‌المللی دادگستری در لاهه از پرونده در حال رسیدگی آفریقای جنوبی علیه اسرائیل حمایت کند شریک می‌کند.

در واقع، رهبر حزب کارگر انگلستان ممکن است در میان افرادی باشد که در شکایت جنایی که هفته گذشته توسط یک گروه بریتانیایی به پلیس متروپولیتن ارائه شد، نام برده شد، شکایتی که برخی از سیاستمداران ارشد بریتانیایی را به عنوان همدست در جنایات جنگی اسرائیل معرفی کرد.

واحد جنایات جنگی "مت" (Met) به عنوان بخشی از تحقیقات موجود توسط دادگاه کیفری بین‌المللی، در حال جمع‌آوری شواهدی درباره رهبران اسرائیلی و بریتانیایی‌هایی که برای شرکت در جنایات جنگی احتمالی به اسرائیل سفر کرده‌اند بوده است.

"مرکز بین‌المللی دادگستری برای فلسطینی‌ها" (International Center of Justice for Palestinians) از واحد تحقیقاتی "مت" درخواست کرده است که تحقیقات مربوط به سیاستمداران، شخصیت‌های عمومی و مفسران بریتانیایی که ممکن است از طریق حمایت، تشویق یا تحریک به جنایات اسرائیل در غزه "یاری و کمک کرده‌اند" گسترش یابد.

تاکتیک توقف

مانورهای سیاسی ناشایست استارمر در سه ماه گذشته تنها آنچه را که از مدت‌ها پیش مشخص بوده است روشن‌تر کرده است: این که "فرایند صلح" و هدف اعلام‌شده "همزیستی دو کشور هم‌جوار"، توسط نهادهای غربی کاملاً بدبینانه تلقی می‌شود. این چیزی بیش از یک تاکتیک انحرافی و توقف نیست.

زمانی، حمایت از طرح همزیستی دو کشور مجاور، سرپوشی ضروری را فراهم نمود: نیت خیری که اسرائیل می‌توانست در پشت آن نیت بد خود را پنهان کند، زیرا به این‌وسیله همان سرزمینی را که ظاهراً قرار بود پایه‌ای برای تشکیل کشور فلسطین باشد، ربود.

در حال حاضر، حمایت از طرح همزیستی دو کشور مجاور در حالی که اسرائیل مرتکب نسل‌کشی می‌شود، پوششی داستانی را فراهم می‌کند. هدف این است که افکار عمومی غربی را از چیزی که به آنها خیره شده‌اند منحرف سازد: اینکه یک دولت اسرائیلی که غزه را با خاک یکسان می‌کند و به دنبال پاکسازی قومی جمعیت آن است، در کار به رسمیت شناختن کشور فلسطین نیست.

یک کشور فلسطینی، چه قابل دوام و چه غیر قابل اجرا، تنها در صورتی به وجود خواهد آمد که اسرائیل مجبور به تن دادن به آن شود. هر چیزی کمتر به سادگی ائتلاف وقت است زیرا اسرائیل مردم فلسطین را تحت پوشش مبارزه با حماس ریشه‌کن می‌کند.

این هفته، چین نشان داد که ممکن است با استفاده از کرسی خود در شورای امنیت برای پافشاری بر "گام‌های مشخص" - به جای گفتگوهای بی‌پایان درباره مذاکرات - به سمت "عضویت کامل فلسطین در سازمان ملل"، از بلوف واشنگتن رونمایی نماید.

اگر پکن از این کار پیروی کند، واشنگتن با حق وتو در شورای امنیت، مجبور خواهد شد نشان دهد که آیا واقعاً در پیشبرد راه حل دو دولتی جدی است یا خیر. در چنین صورتی میزان جدیت استارمر نیز آشکار خواهد شد.

در حقیقت، رها کردن کامل فلسطینی‌ها در لحظه‌ای که آنها را قصابی می‌کنند و از گرسنگی می‌کشند، حتی بیشتر از آنچه می‌باشد که "تونی بلر" (Tony Blair) با حمایت از جنگ غیرقانونی واشنگتن علیه عراق به بهانه‌های واهی در سال ۲۰۰۳، به حزب کارگر آسیب وارد کرده است.

بلر حزب کارگر را به عنوان وسیله‌ای برای پیشبرد "یک سیاست خارجی اخلاقی" توصیف کرد. استارمر آن را به عنوان وسیله‌ای برای بسیج مخالفت با وحشت یک نسل‌کشی مورد استفاده قرار داده است.

استارمر از این طریق زمینه را برای دمی سمی از بیگانگی، تلخی و ناامیدی فراهم کرده است، شرایطی که سیاست بریتانیا را برای آینده قابل پیش‌بینی، بی‌ثبات خواهد کرد.

برگردان به فارسی از نادر ثانی